

نوروزان

زندگی گاهی بهاری می کند.
چون تپش های دلی شیدا و مست
بی قراری می کند.
گاه می جوشد ز سبز برگ ها،
آواز باد.
می خروشد گاه،
بر فراز کوهساری مست و شاد.
آدمی چون رود جاری می شود
گل گل جانش بهاری می شود
آدمی شادی کنان چون آبشار
قطره جانش فشانند بر بهار.
سنگ در آغوش انسان
مست،
بازی می کند
آدمی با سنگ و گل
خوش ، عشق بازی می کند.
دست های آدمی،
چون شاخه های کاج باغ
لانه می بندد برای جوجه های يك کلاغ.
بره آهو می دود در خنده زار جلگه ها
هوبره می نوشد از گلقطره های چشمه ها
دارکوبی نغمه های زندگی را می زند مستانه بر طبل
درخت
شاه جنگل، جغد،
می نشیند بر فراز کنده ای بر روی تخت.

نرگسی عاشق شده بر زلف چوپانی جوان
سیب سرخ عشق
می چرخد میان آسمان.
زندگی آنگه بهاران می شود
آدمی رقصان چو نور
آدمی خندان چو رنگ
شاد شادان
شاد شادان
شاد شادان می شود
قطره ای،
از قطره های مست باران می شود.

نازنین!
طلوع نرگس و بنفشه ها
قیام سبزه ها
رستاخیز جان و جهان
بر شما خجسته باد!
بادا باد بر باغ شما بهار و صلح و آزادی
سبز باشید
محمود کویر